

جایگاه سلاح سمی در فقه امامیه و اساسنامه دیوان بین الملل کیفری در پرتو حقوق بشر دوستانه

دریافت: ۱۴۰۳/۲/۴ تأیید: ۱۴۰۳/۶/۲۵ مهدی معظمی گودرزی*
و طه زرگریان**

چکیده

کمیت و کیفیت «سلاح» در جنگ از مهم‌ترین مؤلف‌های راهبردی برای تحقق اهداف نظامی است. قدرت، سرعت و ابعاد نابودگری از جمله ویژگی‌های کلیدی کمیت و کیفیت سلاح است. استفاده از سم به عنوان یک سلاح، می‌تواند همه ویژگی‌های مذکور را داشته باشد. انتشار سم‌های گوناگون در فضای جغرافیای هدف، موجب همه‌گیری سریع شده و آثار زیانبار مستمری به همراه دارد. هدف سلاح سمی، کور است و اعم از نظامیان و غیر نظامیان تا حیوانات و گیاهان را در بر گرفته و متناسب با نوع گاز سمی و ناظر بر فیزیولوژی انسان و حیوان و بافت گیاهان، آثار دردناک، کشنده و یا غالباً غیر قابل درمان را به همراه دارد. هر چند نگاه صاحبان جنگ به کنش سلاح سمی مثبت است، اما واکنش صاحب نظران علوم مختلف بالأخص علم حقوق در این باره منفی است. دیدگاه فقه امامیه به عنوان اندیشه حقوقی مبتنی بر شریعت اسلامی در باره استفاده از سلاح سمی قابل توجه و حائز اهمیت است؛ گروهی از فقهای امامیه به حرمت مطلق و گروهی به حرمت مقید و گروه دیگری از فقها اساساً به کراهت آن معتقد هستند. اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری در باره استفاده از سلاح سمی به اتخاذ موضع اقدام کرده و بندهای متفاوتی در این باره مقرر کرده است. پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی – تحلیلی به طرح دیدگاه‌های موجود در باره مسأله حاضر پرداخته و ضمن ذکر ادله با استفاده از روش تضارب آراء، به نقد و بررسی هر یک از دلایل اقدام کرده است. تحقیقات صورت گرفته منتج به حکم حرمت مطلق استفاده از سلاح سمی است.

واژگان کلیدی

سلاح سمی، فقه امامیه، دیوان بین‌الملل کیفری، حقوق بشر

* عضو هیأت علمی دانشگاه آیه‌الله بروجردی، دانشکده علوم انسانی: M.moazamigoudarzi@abru.ac.ir

** عضو هیأت علمی دانشگاه آیه‌الله بروجردی، دانشکده علوم انسانی: tahazargariyan93@abru.ac.ir

مقدمه

اصطلاح «جنگ» از جمله اصطلاحاتی است که با تفاوت در ادبیات، ریشه در تاریخ بشریت دارد. اقوام مختلف؛ در اعصار مختلف از بدو خلقت تا کنون در باره مسائلی همچون ثروت، فرهنگ، عقیده، نژاد و... جنگ‌های کوچک و بزرگی ترتیب داده‌اند. هرچند کیفیت و کمیت جنگ‌ها متفاوت بوده، اما همیشه و همیشه در حال وقوع است. استمرار جنگ در مناطق متفاوت دنیا، پیشرفته‌تر شدن سلاح‌های نظامی، شیوه‌ها و فریبکاری‌های جنگی، درگیرکردن افراد غیر نظامی در جنگ، چگونگی برخورد با اسیران جنگی و عواملی از این دست، موجب دغدغه صاحب‌نظران برای نظام‌مندکردن رفتارهای نظامی شد. استفاده از سلاح‌های سمی را می‌توان از جمله رفتارهای نظامی میان متخصصین دانست؛ هرچند استفاده از سم در جنگ‌های سنتی با شیوه‌های ابتدایی انجام می‌شده است، اما در زمان نه چندان دور و در حال حاضر با شیوه‌های پیشرفته در قالب سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک در حال وقوع است. متخصصین برای کشتار جمعی و سرعت در ستیز، سم مورد نظر خود را در قالب سلاح‌هایی که ناظر بر زمان خود، متفاوت محسوب می‌شود، بر سر دشمنان خود روانه می‌سازند. هرچند چنین روشی می‌تواند سرعت بیش‌تری در پیش‌برد اهداف نظامی برای طرفین جنگ داشته باشد، اما ابعاد آثار آن برای نظامیان و غیر نظامیان با توجه به مباحث حقوق بشردوستانه قابل تأمل است؛ زیرا آزار و اذیت وصف‌نشده‌ی اثر سلاح سمی، خصوصاً که محدود به لحظه جنگ نبوده و مادام‌العمر، همراه قربانی است، با ماهیت حقوق بشردوستانه همخوانی ندارد. هم‌چنین انتشار سم در فضای جغرافیایی طرفین جنگ، موجب رسیدن آن به غیر نظامیان می‌شود که حقوق آنان را تضییع کرده و منافعی با مفهوم حقوق بشردوستانه است. با مذاقه در آثار فقهی می‌توان دریافت، فقهای امامیه موضوع استفاده از سلاح‌های سمی را بطور دقیق مورد بحث و بررسی قرار داده؛ تا آنجا که در باره استفاده از چنین سلاح‌هایی اختلاف دیدگاه دارند؛ گروهی از فقهای امامیه استفاده از سلاح سمی در برابر دشمن را مطلقاً حرام دانسته و هیچ‌گونه جوازی با هیچ‌قیدی در

این باره صادر نکرده‌اند. اما گروه دیگری از فقهای امامیه، استفاده از سلاح سمی را با رعایت شرایطی جایز دانسته و فقط در صورت عدم رعایت آن شرایط است که استفاده از آن را در جنگ حرام می‌دانند. اصطلاحاً حکم استفاده از سلاح سمی در دیدگاه این گروه از فقها، حرمت مقید است. گروه دیگری از فقها، حکم مورد بحث را اساساً حرام؛ اعم از انواع حرمت مطلق یا مقید نمی‌دانند، بلکه حکم استفاده از سلاح سمی در دیدگاه این گروه از فقها، کراهت است. اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری در باره استفاده از سلاح‌های سمی به ارائه مباحثی پرداخته و بندهای متفاوتی در باره آن وضع کرده است. مطالعه تطبیقی فقه امامیه و اساسنامه بین‌الملل کیفری در باره استفاده از سلاح‌های سمی بیانگر هم‌پوشانی حکم اساسنامه بین‌الملل کیفری با مختار حکم فقهی پژوهش حاضر در باره کاربرد سلاح سمی در جنگ است.

اهمیت پژوهش

دولت‌های درگیر جنگ، تلاش می‌کنند دشمنان مقابل خود را برای پیشبرد اهداف خود از میان بردارند؛ هرچند تلاش مذکور از بدیهیات جنگ محسوب می‌شود، اما طریق از میان برداشتن دشمن، ناظر بر حقوق بشر دوستانه دارای موضوعیت است. کم‌ترهزینه‌شدن نیروی نظامی برای حمله با سلاح سمی و هم‌چنین تلفات بیش‌تر نیروهای دشمن در زمان سریع‌تر، کاربردهای مهمی برای نظامیان در جنگ به شمار می‌آید. اما آثار نامطلوب سلاح سمی که در ابعاد گسترده‌ای برای نظامیان و غیر نظامیان متصور است، استفاده از سلاح مورد نظر را با تأمل مواجه می‌سازد. بسیاری از مکاتب و نظام‌های حقوقی، جایگاه و اندیشه خود را در باره استفاده از سلاح سمی در جنگ روشن کرده و مقررات خاصی در این باره وضع کرده‌اند. لکن از آنجا که فقهای امامیه در باره موضوع مورد نظر به بحث و بررسی و اختلاف نظر پرداخته‌اند، اهمیت پژوهش حاضر در دریافت اندیشه فقه امامیه به عنوان یک نظام حقوقی مبتنی بر شرع در باره استفاده از سلاح سمی در جنگ است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌گران عرصه نظامی در باره کمیت و کیفیت سلاح‌های سمی، آثار متعدد و مطلوبی به نگارش در آورده‌اند. لکن بدیهی است پژوهش‌های مورد نظر، فاقد مباحث حقوقی و ارزیابی‌های تخصصی فقهی است. فقهای امامیه در آثار عظیم خود؛ مانند «جواهر الکلام» از محقق نجفی و «شرایع الاسلام» از محقق حلی، در باره سلاح سمی به بحث و بررسی پرداخته‌اند. ورود فقهای امامیه به بحث مورد نظر از دقت و تضارب آرای مطلوبی برخوردار است؛ تا آنجا که حکم استفاده از سلاح سمی میان فقهای امامیه با اختلاف نظر همراه شده است. لکن علی‌رغم مباحث عمیق فقهی که در این باره موجود است، اما تا کنون پژوهشی که در قالب مقاله علمی - پژوهشی با تمرکز بر «استفاده از سلاح سمی»؛ آن هم به همراه مطالعه تطبیقی اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری، به رشته تحریر در نیامده است. پژوهش پیش رو را با ویژگی‌های مذکور می‌توان نخستین پژوهش منسجم در باره جایگاه استفاده از سلاح سمی در فقه امامیه دانست.

مفهوم‌شناسی

با توجه به این که در عنوان مقاله دو لغت اساس آن را تشکیل می‌دهند، بدین خاطر در این قسمت آن دو لغت؛ یعنی سلاح و سم را از منظر لغوی و اصطلاحی در ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

سلاح در لغت و اصطلاح

«السلاح» در منابع لغوی بر وزن «فِعال» از جمله مصادر «تفعیل» می‌باشد که بر «اسلحه» و «سُلحٌ» و «سُلحان» جمع بسته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۸۶). هر چند گروهی از فقها واژه «سلاح» را منحصر در معانی «شمشیر» و «آهن» می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۴۱ و زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۵۴)، اما غالب علمای لغت بر این باور هستند، واژه «سلاح»، اسم جامع برای هر چیزی است که با آن بجنگند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۹۳؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۸۵؛

راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۹ و فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۴). بر اساس مطالب مذکور معلوم می‌شود سلاح در اصطلاح عبارت است از اسم جامع برای وسایل جنگی در خشکی، دریا و هوا (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۷۹).

سم در لغت و اصطلاح

واژه «سم» از ماده «السم» در منابع لغوی به معنای محل ورود چیزی، مثل سوراخ آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۶۲ و جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۹۵۳). در آیه ۴۰ سوره اعراف آمده است:

﴿حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾؛ مگر این‌که شتر در سوراخ سوزن وارد شود.

وجه تسمیه سم به معنای مواد کشنده از معنای لغوی آن دور نیست؛ زیرا مواد کشنده در جسم رسوب کرده و گویا جسم را سوراخ کرده و داخل در جسم می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۶۲ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۲۴). معادل واژه «سم» در زبان انگلیسی، واژه «poison» به معنای ماده‌ای است که در صورت مواجهه با یک موجود زنده، مخصوصاً بدن یک شخص یا حیوان، باعث بیماری یا مرگ شود (ساک و شیایزری، ۱۳۸۳، ص ۳۲۶: sally wehmeier, 2009, p1164).

موضوع‌شناسی

گسترده‌گی و پیشرفت سلاح‌ها خصوصاً راجع به سلاح‌های سمی و مصادیق متنوع آن، این نیاز ضروری است که یک شناخت موضوعی در این رابطه داشته باشیم تا بتوانیم سلاح‌های سمی و مصادیق آن را مورد شناسایی قرار دهیم.

گستره سلاح‌های سمی

با مطالعات تاریخی معلوم می‌شود مصادیق متفاوتی برای سلاح سمی موجود بوده است؛ مانند سمی کردن چاه‌های آب با لاشه انسان‌ها و حیوانات، استفاده از سم مارها،

عقرب‌ها و شوکران، قیر، روغن‌ها، نفت، آتش یونانی، ناپالم، اسیدها آرسنیک‌ها (زراعت‌پیشه، ۱۳۹۵، ص ۲۳-۲۲؛ باستانی پاریزی، ۱۳۷۶، ص ۵۸ و بهمنش، ۱۳۷۵، ص ۳۷۴). لکن گستره سم به عنوان یک سلاح قدرتمند در زمان حاضر را می‌توان با معرفی دو سلاح «شیمیایی» و «بیولوژیک» به شرح ذیل مورد مطالعه قرار داد.

سلاح شیمیایی

سلاح شیمیایی عبارت است از عناصر شیمیایی جنگی که شامل هرگونه مواد سمی بر روی انسان، حیوان و گیاه است که موجب نابودی یا بیماری می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۲). سلاح شیمیایی در ماده «۲» کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و بکارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها عبارت از سلاحی است که جمعاً یا به تنهایی شامل مصادیق مواد شیمیایی سمی و پیش‌سازهای آن‌ها؛ مانند مهمات و ادوات است. بر اساس مطالب مذکور، معلوم می‌شود که از جمله سلاح‌های سمی، سلاح‌های شیمیایی است؛ زیرا دارای آثار سمی هستند.

سلاح بیولوژیک

هرچند سلاح‌های بیولوژیک از جهات متعدد آثار سمی، شبیه سلاح‌های شیمیایی هستند، اما ساختار سلاح‌های بیولوژیک، با سلاح‌های شیمیایی متفاوت است؛ زیرا به جای مواد شیمیایی در سلاح‌های بیولوژیک، از میکروارگانیسم‌ها یا مواد سمی بیولوژیک استفاده می‌شود (موسوی، ۱۳۹۴، ص ۹۳). به سخن دیگر، چنان‌چه از عوامل یا عناصر بیولوژی (میکروبی) و سمی زیان‌بار به عنوان سلاح در درگیری‌های مسلحانه استفاده شود، آن سلاح در زمره سلاح‌های بیولوژی قرار می‌گیرد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۶). بر اساس مطالعات فوق‌الذکر، معلوم می‌شود پایه و اساس سلاح‌های بیولوژیک، سم است که بدین ترتیب، می‌توان سلاح‌های بیولوژیک را از جمله سلاح‌های سمی برشمرد.

سیر تاریخی استفاده از سلاح سمی

مطالعات تاریخی بیانگر آن است که کاربرد سلاح سمی در برابر دشمن، ریشه در زمان‌های بسیار دور دارد. منقول است که در جنگ‌های باستانی طی حصر بابل، مردم برای مقابله با مهاجمان بر سر آنان کوزه‌های متعفن گازدار روانه می‌کردند تا عقل آنان را زایل نمایند (ویل دورانت، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸۱). استفاده از سم به عنوان سلاح در دوره‌های هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، آل بویه و افشاریه در منابع تاریخی گزارش شده است (زرین‌کوب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳ و شعبانی، ۱۳۸۰، ص ۸۵ و ۴۰). منابع تاریخ اسلام حاکی از کاربرد سم به عنوان یک سلاح در برابر دشمنان است؛ مانند پیشنهادی که برای مسموم کردن آب شرب در جنگ خیبر به پیامبر ﷺ داده شد و آن جناب مخالفت نمودند (حسنی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۷). برجسته‌ترین نمونه‌های استفاده از سم در تاریخ اسلام، شهادت غالب ائمه معصومین علیهم‌السلام و فرماندهان بزرگی؛ مانند مالک اشتر به دست خلفای اموی و عباسی است (مستوفی، ۱۳۶۳، ص ۱۹۶ و جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۸). استفاده از سم به عنوان یک سلاح کشنده در تاریخ نه چندان دور کشور ایران در اعصار متفاوت قابل مشاهده است. از جمله گزارش‌های مشهور آن به شاهان قاجار باز می‌گردد که دشمنان خود را با قهوه مسموم قجری از میان بر می‌داشتند (باستانی پاریزی، ۱۳۷۶، ص ۳۸ و ۴۱). گزارش‌هایی از مخلوط سم با تریاک در عصر صفوی و هم‌چنین روان کردن عقرب‌ها برای زهرآگین کردن در عصر سلجوقی از موارد مهم استفاده از سم در تاریخ ایران است (اشپولر، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۷۸). هرچند عصر نوین استفاده از سلاح سمی را می‌توان در جنگ انگلیسی‌ها با بوئرها در سال ۱۸۹۹ میلادی در آفریقای جنوبی دانست (زراعت‌پیشه، ۱۳۹۵، ص ۲۴)، اما از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، عراق به فکر تولید سلاح‌های شیمیایی افتاد و اولین پایگاه تولید این سلاح‌ها را به نام «راشد» در شمال شرقی بغداد در سال ۱۹۷۱ میلادی، تأسیس کرد. از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، این کشور با کمک دانشمندان آمریکایی، انگلیسی و... به تولید، تحقیق و خرید مواد لازم برای تولید این سلاح‌ها مبادرت کرد و به تدریج تأسیساتی در مناطقی چون «عکاشه»، «القائم»، «سلمان پاک»، «اتاجی»، «الفلوجه» و

مخوف‌ترین آن‌ها در سامره ایجاد کرد. اولین حمله شیمیایی ثبت‌شده به‌وسیله سازمان ملل در جنگ عراق علیه ایران، به تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۳ در منطقه‌ای بین هلاله و نی‌خزر در غرب ایلام باز می‌گردد که به شهادت ده رزمنده ایرانی منجر شد. در سال ۱۳۶۶ فجع‌ترین جنایت‌های شیمیایی عراق علیه غیر نظامیان صورت گرفت. در تاریخ ۷ تیر آن سال، نیروهای بعثی در حمله به بازار سردشت با استفاده از گاز موستارد (تاول‌زا) روسی ۱۳۰ نفر از مردم این شهر را در دم شهید و ۴۵۰۰ نفر را مصدوم کردند. حمله به شهر حلبچه که از جمله بزرگ‌ترین نمادهای جنایت جنگی علیه بشریت بود، بیش از ۵۰۰۰ کشته و ۷۰۰۰ مجروح و مصدوم و معیوب بر جای گذاشت. نیروهای عراقی تا آخرین روزهای جنگ در مرداد ۱۳۶۷ از سلاح‌های شیمیایی استفاده کردند. از ژانویه ۱۹۸۱ تا مارس ۱۹۸۸ میلادی، عراق ۲۴۲ مورد اقدام به حمله شیمیایی نمود که این حملات حدود ۴۴ هزار قربانی بر جای گذاشت (شبان، ۱۳۹۷، ش ۶۹، ص ۲۲-۶).

سلاح سمی و حقوق بشردوستانه

تعاریف متعددی از عبارت «حقوق بشردوستانه» ارائه شده است. اما تعریف پیش رو ناظر بر موضوع مورد بحث، دارای جامعیت مطلوبی است:

حقوق بشردوستانه، اصول و قواعدی است که استفاده از خشونت را در زمان منازعه‌های مسلحانه محدود می‌کند و هدف آن عبارت است از حمایت از افرادی که مستقیم درگیر جنگ نیستند یا دیگر درگیر جنگ نیستند؛ یعنی بیماران، زخمی‌ها، اسیران و افراد غیر نظامی. هم‌چنین است محدود کردن آثار خشونت در جنگ برای دستیابی به اهداف جنگ، پرهیز از انتقام‌جویی و آزار و اذیتی که تأثیری بر اهداف جنگ ندارند (مهرپور، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱).

با مذاقه در تعاریف حقوق بشردوستانه و بالأخص تعریف مذکور، می‌توان ماهیت حقوق بشردوستانه را بر سه محور پیش رو استوار دانست: الف) ممنوعیت آن دسته از تسلیحات و شیوه‌های خاص جنگی که بیش از حد خطرناک باشند. ب) اقدام به حمایت از «افراد مورد حمایت»؛ یعنی افرادی که قربانیان بالقوه و یا بالفعل مخاصمات مسلحانه هستند.

ج) قانونمندساختن روابط دولت‌های متخاصم با یکدیگر از یک سو و با دول ثالث از سوی دیگر. موضوع پژوهش پیش رو که عبارت از جایگاه استفاده از سلاح‌های سمی در جنگ‌ها است، با محور اول ماهیت حقوق بشردوستانه مرتبط است؛ زیرا ممنوعیت‌های محور اول عبارتند از منع استفاده از سلاح‌های خاصی؛ مانند سلاح‌های سمی، ممنوعیت‌هایی که با اعمال خاصی در ارتباط باشند؛ مانند نیرنگ‌زدن، ممنوعیت‌های مرتبط با بکارگیری دسته خاصی از افراد به‌عنوان نیروی نظامی و ممنوعیت‌های مرتبط به نوع اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها. همان‌طور که در سیر تاریخی استفاده از سلاح سمی بیان شد، بسیاری از دولتمردان و ارکان نظامی برای ازمیان‌برداشتن دشمنان خود از سلاح سمی استفاده کرده‌اند، اما با مذاقه در محور اول ماهیت حقوق بشردوستانه معلوم می‌شود متخاصمین نمی‌توانند از هر ابزار و سلاحی برای جنگ استفاده نمایند. پژوهش‌گران عرصه حقوق بشر با ذکر واژگان «کلتر» در این باره آورده‌اند:

به‌طور کلی حقوق بشردوستانه، اعمال محدودیت‌هایی در ابزارها و حمایت از قربانیان در مخاصمه‌های مسلحانه است؛ بدین معنا که در وهله نخست، در هنگام ورود به جنگ باید چه شیوه‌ها و کارهایی را اعمال کرد و چه شیوه‌ها و کارهایی را نباید انجام داد (موسوی، ۱۳۹۴، ص ۸۱).

بر اساس مطالب مذکور، معلوم می‌شود موضوع پژوهش حاضر؛ یعنی جایگاه سلاح سمی در فقه امامیه و اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری در حوزه مطالعات بشردوستانه مورد تحقیق قرار می‌گیرد.

جایگاه استفاده از سلاح سمی در فقه امامیه

استفاده از سلاح‌های سمی در فقه امامیه با اختلاف دیدگاه مواجه است. گروهی از فقهای امامیه معتقد به حکم حرمت هستند که البته حکم مذکور در نظر آنان با تفصیل همراه است. لکن گروه دیگری از فقهای امامیه به حکم کراهت باور دارند. جهت ارزیابی دیدگاه‌ها و بررسی ادله هر یک از آنان به طرح دیدگاه‌های مذکور به شرح ذیل اقدام می‌شود.

دیدگاه کراهت

گروهی از فقهای امامیه، استفاده از سم را در قالب سلاح در برابر دشمن مکروه می‌دانند (محقق حلی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۵؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۴۲؛ همو، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۷۰؛ همو، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۸۸-۸۷؛ همو، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۸۶ و ج ۴، ص ۳۹۱؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۸۲ و فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۸۱). شیخ طوسی از جمله فقهای است که حکم استفاده از سلاح سمی در نظر وی ناظر بر آثار متفاوت وی، مختلف است؛ مانند آن که ایشان در کتاب «مبسوط» قائل به دیدگاه کراهت شده است:

و کره أصحابنا إلقاء السم فی بلادهم (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۱).
در حالی که در آثار دیگر خویش که در جای مناسب خود بحث خواهد شد، به دیدگاه حرمت معتقد است.

دیدگاه حرمت

فقهای امامیه در اعتقاد به حکم حرمت دارای دو اندیشه مستقل از هم به شرح ذیل هستند:

حرمت مطلق

گروهی از فقهای امامیه؛ اعم از متقدمین و متأخرین بر این عقیده‌اند که استفاده از سم در قالب سلاح در برابر دشمن، مطلقاً حرام است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۴۰۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۳؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۹۹؛ حلبی، ۱۴۰۳، ص ۲۰۱؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ص ۲۰۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۱۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۴۴ و همو ۱۴۱۱، ص ۸۳). ابن ادریس به صراحت در این باره می‌نگارد:

قتال کفار از طریق سایر انواع قتل و اسباب آن جایز می‌باشد، مگر ریختن سم در بلاد آن‌ها؛ زیرا استفاده از سم در بلاد مشرکین جایز نیست (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۰).

حرمت مقید

گروهی از فقهای امامیه بر خلاف دیدگاه مطلق حرمت، این‌گونه می‌اندیشند که هرگاه بکارگیری سلاح سمی، موجب هلاکت نفس محترمه؛ مثل زنان و کودکان و غیره شود، حرام است. لکن در غیر صورت مذکور، جایز است (فخرالمحققین، ۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۵۷؛ شهید ثانی، ۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ همو، ۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۸۱؛ همو، ۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۵؛ نجفی، ۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۶۸ و خوبی، ۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۷۳). بر اساس تعریف مذکور، معلوم می‌شود سلاح سمی برای کشتن نظامیان جایز است، اما استفاده از آن برای غیر نظامیان یا در صورتی که تفکیک بین نظامیان و غیر نظامیان ممکن نباشد، حرام است.

طرح و ارزیابی ادله

فقهای قائل به دیدگاه‌های حرمت و کراهت برای اثبات اندیشه خود در بحث حاضر اقدام به اقامه دلیل کرده‌اند. طرح ادله و ارزیابی آن‌ها به شرح ذیل قابل مطالعه است.

ادله دیدگاه کراهت

دو دلیل «اصل برائت» و «روایت» از طرف قائلین حکم کراهت به شرح ذیل قابل مشاهده است.

دلیل اصل برائت

گروهی از فقهای امامیه در جهت اثبات حکم کراهت برای استفاده از سلاح سمی در برابر دشمنان به اصل برائت استناد می‌جویند (علامه حلی، ۴۱۳ق(ب)، ج ۴، ص ۳۹۱). مقصود از استناد به اصل برائت در بحث حاضر، عدم اخبار بر منع استفاده از سلاح سمی است که طبعاً موجب برائت از کاربرد چنین سلاح‌هایی در برابر دشمن می‌شود.

ارزیابی دلیل اصل براءت

همه صاحب نظران دانش اصول و فقه بر این باورند که کاربرد صحیح اصول عملیه منوط به تجمیع شرایطی است که از جمله مهم ترین شروط آن، عدم وجود اماره است (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۱۲). در باره ممنوعیت و حرمت استفاده از سلاح سمی در برابر دشمن، اماره‌ای از جنس روایات موجود است که فقهای امامیه در باره سند و دلالت آن نظر مساعد دارند. روایت مورد نظر، ذیل طرح ادله دیدگاه حرمت مورد ارزیابی سندی و دلالتی واقع خواهد شد. بر اساس مطالب مذکور، استناد به اصل براءت برای صدور حکم کراهت در استفاده از سلاح سمی در برابر دشمن با مانع اماره مواجه است.

دلیل روایت

گروهی از فقهای امامیه در جهت اثبات حکم کراهت برای استفاده از سلاح سمی در برابر دشمنان، به روایتی از «حفص بن غیاث» استناد می‌جویند:

محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن القاسم بن محمد، عن المنقری، عن حفص بن غیاث قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن مدينة من مدائن الحرب هل يجوز أن يرسل عليها الماء أو تحرق بالنار أو ترمى بالمنجنیق، حتى يقتلوا و منهم النساء و الصبيان و الشيخ الكبير و الأسارى من المسلمین و التجار؟ فقال: «يفعل ذلك بهم و لا يمسک عنهم لهؤلاء و لا دية عليهم للمسلمین و لا كفارة» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸ و حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۶۲)؛ از امام صادق عليه السلام در باره شهری از شهرهای جنگی سؤال کردم که آیا جایز است به آنجا آب رها کنیم و مردم مشرک و محارب آن را به زیر آب ببریم؟ هم‌چنین در حالی که در آن شهر، زنان، اطفال و پیرمردان و حتی اسیران مسلمان هستند، آیا می‌توانیم آب ببندیم و آنجا را آتش بزنیم و یا با منجنیق خراب کنیم؟ امام عليه السلام فرمودند: این کار را انجام دهند؛ زیرا به خاطر وجود آنان در شهر، نمی‌توان دست از کافر محارب برداشت و هیچ دیه و کفاره‌ای هم به عهده مسلمانان نمی‌آید.

ارزیابی دلالی روایت

فقهای قائل به حکم کراهت در باره مدلول روایت مذکور این چنین می‌اندیشند که استفاده از سم در زمره آب‌بستن، آتش‌زدن و منجیق کردن می‌باشد. پس مطابق با این هم‌پوشانی، استفاده از سلاح سمی در برابر دشمنان جایز شمرده می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۳ق (ب)، ج ۴، ص ۳۹۱ و فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۸۱). استفاده از قیاس در فقه امامیه در صورت تحقق شرایطی قابل امکان است که مهم‌ترین آن شرایط، وجود موضوع واحد است که در بحث حاضر منتفی است؛ زیرا استفاده از سلاح سمی که هیچ مرزی در گستره انتشار آن برای مسموم کردن غیر نظامیان، حیوانات و گیاهان نیست، چه وجه موضوعی با آب‌بستن، آتش‌زدن و منجیق کردن دارد. هم‌چنین از نقدهای جدی به استدلال مذکور، اشتها حکم عدم جواز قتل زنان، اطفال و سالخورده‌گان میان فقهای امامیه است، پس چگونه می‌توان جواز استفاده از سلاح سمی را که بدیهی‌ترین آثار مستقیم آن، قتل زنان، اطفال و سالخورده‌گان است، از روایت مورد بحث استنباط نمود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۱۲۲).

ارزیابی سندی

همان‌طور که از سند روایت مورد نظر مشخص است، «قاسم بن محمد» و «المنقری» از جمله روات روایت مورد بحث هستند که به جهت اختلاف دیدگاهی که در باره وثاقت آنان وجود دارد، شرح و بررسی آن به نگارش ذیل ارائه می‌شود:

الف) المنقری: مقصود از «المنقری» در سند روایت مورد بحث، «سلیمان بن داود منقری است» (خویی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۶۹). سلیمان بن داود منقری بر مذهب عامی بوده؛ چنان‌که در باره وی گفته شده است:

«لیس بالمتحقق بنا» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۴).

گروهی به صراحت ایشان را تضعیف کرده و بر عدم وثاقت آن شهادت داده‌اند (علامه حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۲۲۵؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۷۱۰ و علامه مجلسی، ۱۴۲۰ق، ص ۸۹). اما گروه دیگری بر این عقیده هستند که سلیمان بن داود منقری، ثقه

و قابل اعتماد است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۴ و خویی، بی تا، ج ۹، ص ۲۶۹). تحقیقات صورت گرفته بیانگر آن است، سلیمان بن داود منقری ثقه است؛ زیرا نجاشی که؛ هم از قدمای رجالی و هم از اضبط رجالیون است، ایشان را تأیید کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۴). هم چنین دیدگاه علامه حلی در باره سلیمان بن داود منقری با اشکال مواجه است؛ زیرا مستند قول علامه حلی، دیدگاه ابن غضایری است و روشن است که غالب تضعیف‌های ابن غضایری نزد رجالیون قابل قبول نیست (خویی، بی تا، ج ۹، ص ۲۶۹). هم چنین دیدگاه علامه مجلسی در باره سلیمان بن داود منقری، اجتهاد شخصی ایشان است که بر اساس استدلال‌های مذکور قابل پذیرش نیست (همان).

ب) قاسم بن محمد: با تتبع در متون رجالی، معلوم می‌شود قاسم بن محمد با دو عنوان «القاسم بن محمد القمی» و «الاصبهانی» مورد بحث صاحب‌نظران رجالی قرار گرفته است. نجاشی او را به «القاسم بن محمد القمی» نسبت می‌دهد و غیر از ایشان، او را به «الاصبهانی» نسبت می‌دهد. لکن محققین فقهی و رجالی بر این باور هستند که مقصود از عناوین «القاسم بن محمد القمی» و «الاصبهانی»، یک نفر است و آن «قاسم بن محمد» است (خویی، بی تا، ج ۱۵، ص ۴۷ و شبیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۵۸۷۲). مقصود از واژگان «کاسام» و «کوسولا» در کتب رجالی، همان «قاسم بن محمد» است (خویی، بی تا، ج ۱۵، ص ۴۷). «ابراهیم بن هاشم» از او روایت می‌کند و او از «سلیمان بن داود منقری» روایت می‌کند (همان). رجالیون، بالاتفاق بر این باور هستند که «قاسم بن محمد» ثقه نیست (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۱۵؛ حلی، ۱۳۸۳ق، ص ۴۹۴؛ علامه حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۲۴۸ و خویی، بی تا، ج ۱۵، ص ۴۷-۴۶).

ادله دیدگاه حرمت

پیش‌تر روشن شد قائلین به دیدگاه حرمت به دو گروه حرمت مطلق و حرمت مقید تقسیم می‌شوند. لکن از آنجا که قائلین دیدگاه حرمت مقید، هیچ‌گونه دلیلی جهت اثبات دیدگاه خود اقامه نکرده‌اند، ادله حرمت مطلق، مورد طرح و ارزیابی واقع می‌شود و پس از آن، به ارزیابی دیدگاه حرمت مقید اقدام می‌شود.

ادله حرمت مطلق

دو دلیل «اجماع» و «روایت» از طرف قائلین حکم حرمت مطلق به شرح ذیل قابل مشاهده است.

دلیل اجماع

بعضی از فقهای امامیه که در رأس آنان محقق اردبیلی در کتاب «مجمع الفائدة و البرهان» است، دلیل حرمت استفاده از سلاح سمی در برابر دشمنان را اجماع می‌داند. وی ذیل کلام علامه حلی در کتاب «ارشاد الاذهان» می‌نگارد:

شاید دلیل استثناکردن حکم عدم جواز محاربه با سم و حکم به جواز سایر انواع قتال با دشمن، خبر و اجماع باشد (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۴۵۲).

ارزیابی دلیل اجماع

در نقد دلیل اجماع آمده است، بسیاری از فقهای امامیه در بحث حاضر به دیدگاه کراهت باور دارند، پس چگونه می‌توان دلیل حرمت مطلق را در رد استفاده از سلاح سمی، یک حکم اجماعی دانست. لکن در پاسخ به نقد مذکور باید گفت اجماع به معنای اتحاد فقها در همه اعصار نیست، بلکه اجماع در اصطلاح خاص امامیه عبارت از اتفاق جماعتی است که علم به وجود امام عَلَيْهِ السَّلَام در آن جماعت موجود باشد (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۸۷).

بر اساس گزاره مذکور، همان‌طور که اشاره شد، اگر به کلام قدمای فقها مراجعه شود، معلوم می‌شود اجماع آن‌ها بر این مطلب نهفته است که استفاده از سلاح سمی به‌طور مطلق حرام است. ابن براج در کتاب «مهذب» در این باره می‌نگارد:

ولا يلقى السم في ديارهم (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۹۹)؛ ریختن سم در بلاد مشرکین جایز نیست.

بعضی از فقها در نقد پاسخ مذکور بر این عقیده هستند که قول دو تن از قدمای مبنی بر تمایل به دیدگاه کراهت، موجب خارق اجماع ادعایی خواهد شد؛ یکی قول ابن جنید بنا

بر نقل علامه حلی در کتاب «مختلف الشیعه» و دیگری قول شیخ طوسی در کتاب «مبسوط» (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۹۱ و شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۱). لکن در پاسخ نقد مذکور باید گفت شیخ طوسی همان طور که پیش تر اشاره شد، دارای دیدگاه مردد است؛ زیرا در همه کتاب های خود قائل به دیدگاه حرمت مطلق است و تنها در کتاب «مبسوط» به دیدگاه کراهت باور دارد. هم چنین مخالفت معلوم النسب؛ یعنی ابن جنید اسکافی به اجماع مورد ادعا خدشه وارد نمی کند. به سخن دیگر، مخالفت مجهول النسب که احتمال داخل شدن قول معصوم علیه السلام در آن است، مضر می باشد، نه معلوم النسب که ابن جنید می باشد.

دلیل روایت

فقهایی که قائل به دیدگاه حرمت مطلق برای استفاده از سلاح سمی هستند، به روایتی از «سکونی» استناد می جویند. سکونی از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

محمد بن أحمد بن یحیی عن ابراهیم بن هاشم عن النوفلی عن السکونی
 عن جعفر عن ابيه عن علی علیه السلام: «أن النبی صلی الله علیه و آله نهی أن یلقى السمّ فی بلاد
 المشرکین» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴۳)؛ رسول الله صلی الله علیه و آله از ریختن
 سم در بلاد مشرکین نهی کرده است.

ارزیابی سندی روایت سکونی

گروهی از فقهای امامیه به علت وجود «سکونی» در سلسله سند روایت مورد بحث، روایت مورد نظر را ضعیف می دانند؛ زیرا بر این باور هستند، سکونی از فقهای عامه بوده و ثقه نیست (ترحینی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۶۴۴). لکن نقد مذکور قابل پذیرش نیست؛ زیرا بسیاری از صاحب نظران فقه امامیه از سکونی نقل روایت کرده و بر مبنای آن به صدور فتوا اقدام کرده اند. شیخ طوسی در باره سکونی می نگارد:

طائفه امامیه به روایات ائمه عامه از جمله سکونی عمل کرده اند (شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۹).

صاحب جواهر الکلام در این باره می‌نگارد:

روایات سکونی قابل قبول بوده، بلکه برای عمل به روایات سکونی، ادعای اجماع شده است (نجفی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱، ص ۶۸).
در هر صورت، باید گفت روایات سکونی به تصریح شیخ طوسی در «عُدّه»، مشروط به عدم معارضه با فتاوا و روایات امامیه، مورد عمل اصحاب می‌باشد (شیرازی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹۸).

ارزیابی دلالتی روایت سکونی

دلالت روایت مورد نظر از جمله روایاتی است که دلالت تام دارد؛ زیرا نهی، دلالت بر حرمت دارد و حمل نهی بر کراهت، خلاف ظاهر می‌باشد. هم‌چنین موضوع نهی که «استفاده از سم در برابر دشمنان» است، به صراحت از طرف پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان شده است: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يَلْقَى السَّمَّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ».

بر اساس مطالب مذکور و قوت ادله حرمت مطلق در استفاده از سلاح سمی در برابر دشمن، ضعف دیدگاه حرمت مقید؛ همان دیدگاهی که حرمت استفاده از سلاح سمی را مقید به استفاده آن در برابر غیر نظامیان می‌دانست، معلوم می‌شود؛ زیرا دلیل اجماع از جمله دلایل لیبی بوده و قدر متیقن آن، عدم جواز استفاده از سلاح سمی به طور مطلق است. هم‌چنین روایت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طور مطلق از ریختن سم در بلاد مشرکین نهی کرده است و هیچ استثنا یا قیدی ندارد. قوت مطالب مذکور به همراه عدم اقامه دلیل برای دیدگاه حرمت مقید در بحث حاضر، موجب ضعف جدی دیدگاه حرمت مقید می‌شود.

تنقیح مناط و مقدمه حرام

فقها در بحث مربوط به «کیفیه قتال اهل الحرب» حکمی را بیان کرده‌اند:

لا يجوز قتل المجانين.. و لا الصبيان.. و لا النساء منهم (محقق حلی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۶)؛ کشتن دیوانگان، کودکان و زنان اهل حرب (کفار حربی) جایز نمی‌باشد.

برخی از فقها دو گروه دیگر را هم اضافه کرده‌اند از جمله شیخ فانی و خثی مشکل (علامه حلی، ۱۴۱۳ق(الف)، ج ۱، ص ۴۸۶).

برای این حکم، علاوه بر اجماعی که علامه در منتهی المطلب ادعا کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۷۳)،^۱ روایات متعددی در این مورد وجود دارد که از جمله آن‌ها:

اول:

الجمهور عن أنس بن مالك أن النبي ﷺ قال: «انطلقوا بسم الله و بالله و على ملة رسول الله صلى الله عليه و آله، و لا تقتلوا شيئا فانيا و لا صغيرا و لا امرأة» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۷۳). پیغمبر اکرم در این روایت فرموده‌اند: ... شیخ فانی و کودک و زن را به قتل نرسانید.

دوم:

عن ابن عباس أن النبي ﷺ مر بامرأة مقتولة يوم الخندق فقال: «من قتل هذه؟ [فقال رجل: أنا يا رسول الله، قال:] لم؟ قال: نازعتني قائم سيفي فسكت» (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۹۹)؛ پیغمبر اکرم در روز جنگ خندق از کنار زنی که کشته شده بود، عبور کرد و فرمودند چه کسی این زن را کشته است؟ مردی گفت: من یا رسول الله! فرمودند: چرا؟ مرد گفت زن با من به ستیز برآمد؛ در حالی که شمشیر به دست بود و پیغمبر سکوت کرد.

سوم:

خبر حفص بن غياث، الذي رواه المشايخ الثلاثة في حديث أنه سأل أبا عبدالله ﷺ، عن النساء كيف سقطت الجزية عنهن و رفعت عنهن؟ قال: «فقال لأن رسول الله ﷺ نهى عن قتل النساء و الولدان في دار الحرب...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۴۱۲)؛ از امام صادق ﷺ سؤال شد که جزیه چگونه از زنان ساقط و رفع شده است؟ امام ﷺ فرمودند: به خاطر این‌که رسول الله ﷺ از کشتن زنان و کودکان در دار الحرب نهی کرده اند... .

چهارم:

خبر السكوني عن جعفر عن أبيه عن آبائه ﷺ «أن النبي ﷺ قال: اقتلوا

المشركين و استحيوا شيوخهم و صبيانهم» (شيخ طوسى، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴۳)؛ پيغمبر اکرم ﷺ فرمودند: مشرکين را به قتل برسانيد و از شيوخ و زنان آنها حيا کنید (يعنى آنها را به قتل نرسانيد).

از حکم عدم جواز کشتن این گروه که احدی از فقها به خاطر این ادله فوق و غيره مخافتي نداشته‌اند، به دو طرق از ادله این حکم، می‌توان حکم به حرمت و عدم استفاده از سلاح سمی در جنگ را استنباط کرد: یکی از طریق تنقیح مناط؛ بدین صورت که از ادله این حکم (عدم جواز کشتن زنان و کودکان) این مناط و مبنا برای ما مستتب می‌شود: کشتن زنان و کودکان جایز نیست، به خاطر این که اهل محاربه نیستند (لأنهم ليسوا من اهل المحاربه) (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۹۹). سلاحی که در کشتار، مثل سلاح سمی، سبب از بین رفتن همه گروه‌های دشمن می‌شود و هیچ‌گونه تفاوتی را بین نظامیان (اهل محاربه) و غیر نظامیان (غیر اهل محاربه) از جمله زنان و کودکان و مجانین نمی‌گذارد، جایز نمی‌باشد. بنابراین، مناط مربوطه (لأنهم ليسوا من اهل المحاربه) در به‌کارگیری سلاح سمی موجود می‌باشد.

طریق دیگر مقدمه حرام: این طریق را به صورت یک قیاس منطقی شکل اول مطرح می‌کنیم: سلاح سمی به خاطر عدم تفکیک بودنش، باعث کشته‌شدن زنان و کودکان می‌شود (صغری)، هر سلاحی که به خاطر عدم تفکیک (نظامیان و غیر نظامیان) باعث کشته‌شدن زنان و کودکان حرام است (کبری)، پس به‌کارگیری سلاح سمی حرام است. اگر به این قیاس دقت شود، استفاده از سلاح سمی از باب مقدمه حرام، حرام است؛ یعنی این که ذی‌المقدمه حرمت کشتن زنان و کودکان، استفاده از سلاح (سمی) به خاطر این که باعث ایجاد عمل حرام می‌شود، حرمت دارد.

عرضه دو دیدگاه حرمت و کراهت به یکدیگر

دلیل اصل برائت که از طرف قائلین حکم کراهت اقامه شد، با وجود روایت «سکونی» از اساس فاقد اعتبار بوده و جایگاهی در مقام دلیل ندارد. روایت «حفص بن غیاث» که دلیل دوم قائلین حکم کراهت بود، از نظر سندی به جهت وجود «قاسم بن محمد»

قابل استناد نیست؛ زیرا همان‌طور که پیش‌تر آمد، رجالیون بالاتفاق بر این باور هستند «قاسم بن محمد» ثقه نیست (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۱۵؛ حلی، ۱۳۸۳ق، ص ۴۹۴؛ علامه حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۲۴۸ و خوبی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۴۷-۴۶). لکن اگر از ضعف سند روایت «حفص بن غیاث» چشم‌پوشی شود، نمی‌توان از ضعف دلالت آن چشم‌پوشی نمود؛ زیرا نه تنها «استفاده از سم در برابر دشمن» صریحاً در نص روایت نیامده است، بلکه حتی اشاره‌ای به آن نشده و هیچ‌گونه وجه شباهتی میان «استفاده از سم در برابر دشمن» با مصادیق موجود در روایت «حفص بن غیاث» قابل مشاهده نیست. این‌که گروهی از فقها با استناد به روایت «حفص بن غیاث» حکم استفاده از سلاح سمی را کراهت می‌دانند، به علت وجود نهی استفاده از سلاح سمی در روایت «سکونی» است، لکن استنباط مذکور با گزاره‌های معتبر اصولی سازگار نیست؛ زیرا حمل نهی موجود در روایت «سکونی» بر کراهت، خلاف ظاهر است، کلام آقا ضیاء عراقی در مقام مؤید گزاره مذکور قابل تأمل است:

خصوصیت نهی از ریختن سم در بلاد مشرکین نمی‌باشد، مگر به خاطر خصوصیتی است که در سم از بین آلات کشتار دارا می‌باشد و بعد از این خصوصیت است که حکم حرمت استفاده از سلاح سمی نیز به مسحوقین کشتن (نظامیان) سرایت می‌کند و شاید به خاطر همین باشد که جماعتی از علما به‌طور مطلق حکم به تحریم داده‌اند (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۰۴).

هم‌چنین فاضل آبی در کشف الرموز آورده است:

قول شیخ طوسی در مبسوط که نهی را حمل بر کراهت کرده است، خلاف اصل می‌باشد (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۲۴).

بر اساس مطالب مذکور باید گفت روایت «حفص بن غیاث» هیچ‌گونه دلالتی بر جواز یا عدم جواز استفاده از سلاح سمی ندارد و حداکثر دلالت آن عبارت از جواز قتل زنان، اطفال و سالخوردگان در موارد ضرورت جنگی است (علامه مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۳۷۸). اما روایت «سکونی» در حکم حرمت استفاده از سلاح سمی در برابر دشمنان از جهت سندی و دلالتی قابل‌خداشه نیست؛ زیرا همان‌طور که پیش‌تر آمد،

سند روایت ضعیف نیست و هم‌چنین دلالت روایت تام است؛ زیرا نهی موجود در روایت، بر حکم حرمت دلالت کرده و غیر قابل تفسیر است. هم‌چنین از هیچ‌جای روایت «سکونی» نمی‌توان به تفصیل و تقیید، عقیده پیدا کرد. بر این اساس، استفاده از سلاح سمی در برابر دشمنان؛ اعم از نظامیان و غیر نظامیان حرام مطلق است.

جایگاه سلاح سمی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

با مطالعه ماده «۸» اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که مربوط به مصادیق جرم جنایت جنگی است، دو بند «۱۸» و «۱۹» به شرح ذیل، اختصاص به سلاح‌های سمی؛ اعم از مایع و گاز دارد.

بند «۱۸» اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

«به‌کاربردن سم یا سلاح‌های سمی» عناصر تشکیل‌دهنده جرایم که به تصویب کمیسیون مقدماتی دیوان رسیده است، مرتکب باید ماده یا سلاحی را به کار برده باشد که با استعمال آن، ماده جدیدی آزاد شود که به طور طبیعی و از طریق خواص سمی خود باعث مرگ یا آسیب شدید به سلامتی افراد شود (شیایزری و ساک، ۱۳۸۳، ص ۳۲۶).

بند «۱۹» اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

«استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها و تمام سیالات، موارد و ابزارهای مشابه» عناصر تشکیل‌دهنده جرایم که به تصویب کمیسیون مقدماتی دیوان رسیده است، در مورد این جرم اجمالاً مقرر می‌دارد، مرتکب باید گاز یا ماده یا وسیله مشابه دیگری را به کار برده باشد که به واسطه خاصیت خفه‌کننده یا سمی خود به‌طور طبیعی به مرگ یا آسیب شدید به سلامتی اشخاص منتهی شود (همان، ص ۳۲۸).

استفاده از جنگ‌افزارها ناظر بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مقید به قوانینی است

که مطالعه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تا حد مطلوبی می‌تواند اصول حاکم بر آن را تبیین نماید. ممنوعیت به‌کارگیری بعضی از جنگ‌افزارها را می‌توان مهم‌ترین مرزبندی حقوق بین‌الملل در استفاده از جنگ‌افزارها دانست. مذاقه در قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، معلوم می‌کند که همه قوانین ناظر بر جنگ‌افزارها بر پایه دو اصل اساسی به تفصیل ذیل استوار است:

الف) اصل اول استفاده جنگ‌افزار

اولین اصل مهم در استفاده از جنگ‌افزارها عبارت از آن است که در هر مخاصمه مسلحانه، طرف‌های متخاصم در همه حال باید غیر نظامیان را از نظامیان تمایز بدهند و در نتیجه نباید از سلاح‌هایی استفاده کنند که قادر به تشخیص هدف غیر نظامی از هدف نظامی نیستند.

ب) اصل دوم استفاده جنگ‌افزار

دومین اصل مهم استفاده از جنگ‌افزارها عبارت از آن است که نظامیان نباید دچار درد و رنج بیهوده شوند. مطابق با اصل مذکور، استفاده از سلاح‌هایی که چنین اثری بر نظامیان دارند و بی‌فایده درد و رنج آنان را تشدید می‌کنند، ممنوع است (رنج‌بریان و ممتاز، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰-۱۴۹).

بر اساس مفاد دو اصل مذکور، می‌توان استفاده از سلاح سمی را جنایت جنگی دانست؛ زیرا نوع استفاده از سلاح سمی به‌گونه‌ای است که تمایز نظامیان از غیر نظامیان در استفاده از آن بی‌فایده بوده؛ تا جایی که حیوانات و گیاهان را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد؛ این در حالی است که نص صریح اصل اول حقوق بین‌الملل کیفری تصریح می‌کند:

طرف‌های متخاصم در همه حال باید غیر رزمندگان را از رزمندگان تمایز بدهند.

هم‌چنین آثار زیان‌بار سلاح سمی به‌گونه‌ای است که قربانیان خود را تا سال‌های طولانی بعد از جنگ مورد اذیت قرار داده؛ تا آن‌جا که آنان را به‌طور کلی از زندگی معمولی محروم می‌نماید. هم‌چنین نوع جان‌دادن قربانیان در اثر سلاح سمی، زمان‌بر و

بسیار شکنجه‌آور است؛ این در حالی است که نص صریح اصل دوم حقوق بین‌الملل کیفری تصریح می‌کند:

رزمندگان نباید دچار درد و رنج بیهوده شوند.

ممنوعیت حقوق بین‌الملل کیفری در استفاده از چنین جنگ‌افزارهایی که مصداق تام آن، سلاح‌های سمی است، بسیار با حکم حرمت مطلق که برخاسته از فقه امامیه است، هم‌پوشانی دارد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۴؛ همو، ۱۴۱۱ق، ص ۸۳؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰ و کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۴۰۹)؛ زیرا علاوه بر وجود روایت «سکونی» که صراحتاً بر ممنوعیت استفاده از سلاح سمی دلالت می‌کند، گزارش‌های تاریخی بیانگر آن است که پیامبر ﷺ به مجاهدان اسلام سفارش و تأکید می‌کرد که از قطع درختان و سوزاندن مزارع در سرزمین دشمن به شدت اجتناب نمایند و یا هنگامی که پیامبر ﷺ با سپاه اسلام برای فتح مکه روانه شدند، سگی را دیدند که بر بچه‌هایش زوزه می‌کشید و آنان شیرش را می‌خوردند. حضرت به جُعَیل بن سُرَاقه فرمودند تا کنار حیوان بایستد و از او مراقبت نماید تا مبادا سپاهیان که از آن‌جا می‌گذرند، به سگ و بچه‌هایش آسیبی برسانند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۰۴). حساسیت‌های اندیشه اسلامی در نوع جنگ نظامی برای عدم آسیب به غیر نظامیان، حیوانات و گیاهان، فراتر از آن چیزی است که به استفاده از سلاح سمی جواز دهد. ناظر بر بندهای «۱۸» و «۱۹» اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری و هم‌چنین با توجه به دو اصل اساسی ممنوعیت استفاده از سلاح سمی، محورهای ذیل ناظر بر حقوق بشر بین‌الملل دوستانه قابل مطالعه است:

الف) استفاده از هر نوع سلاح سمی به‌طور مطلق؛ اعم از انواع مایع و نوع گاز ممنوع است (فلک، ۱۳۹۲، ص ۲۰۳).

ب) استفاده از سلاح سمی، موجب تحقق جرم جنگی است که یکی از انواع جنایات خطیر بین‌المللی است (همان).

ج) ممنوعیت استفاده از سلاح سمی، منحصر به استفاده آن در برابر انسان‌ها نیست، بلکه به ممنوعیت آلوده‌کردن تجهیزات ارائه‌کننده آب و مواد غذایی نیز گسترش می‌یابد (همان).

بر اساس محورهای فوق‌الذکر، می‌توان دو بند «۱۸» و «۱۹» را تجلی قواعد حقوق بشردوستانه در رابطه با ابزارهای نبردی دانست که سابقاً به لحاظ حقوق بین‌الملل ممنوع شده بود. به سخن دیگر، باید گفت که هیچ اختلاف نظری در باره ممنوعیت استفاده از سلاح سمی وجود ندارد (همان). ممنوعیت مورد بحث در کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی قابل مشاهده و مطالعه است؛ بند «۱۸» مورد بحث، عیناً از بند «الف» ماده «۲۲» مقررات لاهه گرفته شده است:

استفاده از سم یا سلاح‌های سمی ممنوع است.

پروتکل ژنو «۱۶» ژوئن «۱۹۲۵م» از جمله پروتکل‌های معروف است که کشورهایی در سال ۱۹۲۵ میلادی به عنوان یک پروتکل مستقل در باره ممنوعیت استفاده از سلاح‌های سمی تصویب کردند؛ ممنوعیت مورد بحث به استفاده از گازهای خفه‌کننده سمی یا سایر گازها و روش باکتریولوژیکی در جنگ می‌باشد. در بند «۲» ماده «۵۲» پروتکل الحاقی اول عبارتی ذکر شده است که به ممنوعیت استفاده از سلاح سمی منجر می‌شود:

حمله‌ها منحصرأ باید به هدف‌های نظامی محدود گردد.

بدیهی است استفاده از سلاح سمی، قابلیت استفاده انحصاری علیه اهداف نظامی را ندارد؛ ممنوعیت مورد بحث در پروتکل الحاقی دوم در ماده یک قابل رؤیت است. مذاقه در آرای قضایی بین‌المللی، مؤید ممنوعیت مورد بحث است. شعبه تجدید نظر دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ، با بررسی همه‌جانبه موضوع به این نتیجه می‌رسد:

به تدریج، اجماعی بین‌المللی حاصل شده است که استفاده از سلاح شیمیایی در مخاصمات مسلحانه ممنوع است (Arret Tadic, para, p.124).

ممنوعیت استفاده از سلاح سمی به‌طور ضمنی در رأی مشورتی سلاح‌های هسته‌ای دیوان بین‌المللی دادگستری قابل استناد است:

ایراد خسارت غیر ضروری بر رزمندگان ممنوع است. از این‌رو، استفاده از سلاح‌هایی که چنین آسیب‌هایی ایجاد می‌کنند و یا به نحو بی‌فایده‌ای

آسیب‌های ناشی از آن سلاح‌ها را تشدید می‌کنند، ممنوع می‌باشد. در اجرای این اصل، دولت‌ها از آزادی نامحدودی در انتخاب سلاح‌های مورد استفاده‌شان برخوردار نیستند. حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر اساس دو اصل مذکور، انواع خاصی از سلاح‌ها را به دلیل اثرات غیر قابل تفکیک آن‌ها بر نظامیان و غیر نظامیان و یا به دلیل ایراد زیان‌های غیر ضروری بر نظامیان ممنوع کرد.

واقعیت حکم دیوان در باره بحث حاضر به اصل کلی پیش رو اشاره دارد: استفاده از سلاح‌هایی که سبب غیر ضروری دارند، ممنوع است (رابرت و ریچارد، ۱۳۹۴، ص ۲۵۲). بدیهی است برجسته‌ترین نوع مصداق سلاح در حکم دیوان، سلاح‌های سمی است.

نتیجه‌گیری

امروزه سلاح‌های سمی به عنوان یک سلاح قدرتمند در پیشبرد اهداف نظامی، جایگاه ویژه‌ای دارد. بسیاری از دولتمردان برای ازمیان‌برداشتن دشمنان خود، تمایل به استفاده از سلاح سمی دارند؛ زیرا علاوه بر کمتر هزینه‌کردن نیروهای انسانی، حذف دشمنان در سرعت زمان کمتری نسبت به جنگ‌افزارهای دیگر اتفاق خواهد افتاد. هرچند ویژگی‌های مذکور، سبب پیشبرد فوق‌العاده دولتمردان می‌شود، اما آثار وحشتناک آن در ابعاد مختلف کمی و کیفی موجب واکنش نظام‌های حقوقی و همچنین مجامع بین‌المللی شده است. فقه امامیه به عنوان یک نظام حقوقی مبتنی بر شرع، استفاده از سلاح سمی را حرام مطلق می‌داند؛ زیرا اندیشه اسلامی نسبت به حفظ حقوق حیوانات و گیاهان در جنگ، حساسیت دارد؛ چه رسد به نابودی غیر نظامیان یا تحمیل کردن رنج‌های مستمر و غیر ضروری به نظامیان در جنگ. کنواسیون‌ها و پروتکل‌های متعددی در باره منع استفاده از سلاح‌های سمی موجود است، لکن دو اصل اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری را می‌توان همسو با دیدگاه فقهی حرمت مطلق در ممنوعیت استفاده از سلاح سمی مورد توجه قرار داد؛ زیرا اصل اول به اهمیت تمایز

نظامیان از غیر نظامیان باز می‌گردد که چنین تمایزی از اساس برای استفاده از سلاح سمی متصور نیست و اصل دوم به انتفای درد و رنج بی‌فایده نظامیان باز می‌گردد که چنین موردی هم با ماهیت آثار سلاح سمی همسو نیست. بر اساس مطالب مذکور، دریافت می‌شود که استفاده از سلاح سمی به عنوان یک جنگ‌افزار قدرتمند از جهت فقهای امامیه جایز نیست؛ به‌گونه‌ای که هر گونه استفاده از آن حرام است. هم‌چنین همه کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مجامع بین‌المللی در عدم جواز استفاده از سلاح سمی با یکدیگر موافق هستند.

یادداشت‌ها

۱. این ادعای اجماع را صاحب جواهر از کتاب منتهی‌المطلب نقل کرده است، اما ما با مراجعه به کتاب منتهی‌المطلب و هم‌چنین تذکره علامه حلی، چنین ادعای اجماعی را در کلام علامه حلی پیدا نکردیم، لذا آدرس گفته مربوطه را به کتاب جواهر استناد داده‌ایم.

منابع و ماخذ

۱. اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، مترجم: مریم میراحمدی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۴، ۱۳۷۹.
۲. ابن ادریس حلی، سرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، چ ۲، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن براج، قاضی، المهذب، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۴. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم: انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی، ۱۴۰۸ق.
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، ج ۳، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ق.
۷. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح الارشاد الاذهان، ج ۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.

۸. باستانی پاریزی، محمدابراهیم، نوح هزار طوفان، تهران: نشر نامک، ۱۳۷۶.
۹. بهنمش، احمد، تاریخ یونان از آغاز تا جنگ پلوپونز، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۴، ۱۳۷۵.
۱۰. ترحینی عاملی، سیدمحمدحسن، الزبدة الفقهية فی شرح الروضة الفقهية، ج ۳، قم: دارالفقه للطباعة و النشر، چ ۴، ۱۴۲۷ق.
۱۱. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، قم: انتشارات انصاریان، چ ۷، ۱۳۸۳.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، المعجم الصحاح، ج ۵، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۰ق.
۱۳. حر عاملی، محمدحسین، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۴۰۹ق.
۱۴. حسنی، علی اکبر، تاریخ اسلام، قم: چاپ الهادی قم، چ ۷، ۱۳۸۱.
۱۵. حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ق.
۱۶. حلّی، علی بن داود، رجال ابن داود، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۱۷. خوبی، سیدابوالقاسم، معجم الرجال الحديث، ج ۹ و ۱۵، بی تا.
۱۸. خوبی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج ۱، قم: نشر مدینه العلم، چ ۲۸، ۱۴۱۰ق.
۱۹. رابرت، کلوب و ریچارد، هاید، در آمدی بر حقوق مخاصمات مسلحانه، مترجم: سیدحسام الدین لسانی، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۶۴.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: ناشر دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۲۱. زراعت پیشه، نجف، پرواز در فجر (روایتی مستند از بمباران شیمیایی گردان فجر بهبهان در جاده شهید صفوی در عملیات کربلای ۵)، تهران: نیلوفران، ۱۳۹۵.
۲۲. زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران؛ تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، تهران: انتشارات سخن، چ ۱۳، ۱۳۹۱.
۲۳. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحديث، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۲۴. دورانت، ویل، تاریخ تمدن؛ کتاب اول، مشرق زمین گاهواره تمدن (بخش اول)، ترجمه احمد آرام، ج ۲، تهران: انتشارات فرانکلین، بی تا.

۲۵. سبزواری، سید عبدالاعلی، **مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام**، ج ۱۵، قم: مؤسسه المنار، ج ۴، ۱۴۱۳ق.
۲۶. سعدی، ابوالحییب، **القاموس الفقہی لغة و اصطلاحا**، دمشق: دارالفکر، ج ۲، ۱۴۰۸ق.
۲۷. شبانه، رحیم، «کاربرد ابزارها و سلاح‌های شیمیایی در تاریخ»، **مجله فناوری وزارت آموزش و پرورش**، دوره بیستم، ش ۶۹، ۱۳۹۷.
۲۸. شبیری زنجانی، سیدموسی، **کتاب نکاح**، ج ۱، ۱۸۱۰، قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز، ۱۴۱۹ق.
۲۹. شعبانی، رضا، **تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی در دوره‌های افشار و زندیه**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ج ۳، ۱۳۸۰.
۳۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة فی الفقه الامامیة**، بیروت: دارالتراث - دارالاسلامیة، ۱۴۱۰ق.
۳۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، **حاشیة الارشاد**، ج ۱ و ۳، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۳۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، **مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام**، ج ۳، قم: موسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۳۳. شیخ انصاری، مرتضی، **فرائد الاصول**، ج ۲، قم: مجمع فکر الاسلامی، الطبعة الثامنة، ۱۴۲۸ق.
۳۴. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، **المبسوط فی فقه الامامیة**، ج ۲، قم: المكتبة المرتضویة، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۷ق.
۳۵. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، **العدة فی الاصول الفقهیة**، ج ۱، قم: ناشر محمدتقی علاقبندیان، ۱۴۱۷ق.
۳۶. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، **النهایه فی المجرّد الفقه و الفتاوی**، بیروت: الناشر دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
۳۷. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۳۸. صاحب بن عباد، **المحیط فی اللغة**، ج ۲، بیروت: الطباعة عالم الكتاب، ۱۴۱۴ق.
۳۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، **حقوق بین الملل بشردوستانه**، تهران: انتشارات گنج دانش، ج ۲، ۱۳۹۲.
۴۰. عراقی، آقا ضیاءالدین، **شرح تبصرة المتعلمین**، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ق.

۴۱. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ارشاد الأذهان، ج ۱ و ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۲. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تبصرة المتعلمين في الاحكام الدين، تهران: مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ق.
۴۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تحرير الاحكام، ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق.
۴۴. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذكرة الفقهاء، ج ۹، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۴۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصة الاقول، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحيدرية، ج ۲، ۱۳۸۱ق.
۴۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، قواعد الاحكام، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق(الف).
۴۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مختلف الشيعة، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق(ب).
۴۸. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، منتهی المطلب في تحقيق المذهب، ج ۹ و ۱۴، مشهد مقدس: مجمع البحوث الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۴۹. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب، كشف الرموز في شرح مختصر النافع، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳، ۱۴۱۷ق.
۵۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، التنقيح الرائح لمختصر النافع، ج ۱، قم: انتشارات کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۵۱. فخرالمحققين، محمد بن حسن، ايضاح الفوائد في شرح القواعد الاحكام، ج ۱، قم: مؤسسه اسماعيليان، ۱۳۸۷ق.
۵۲. فراهیدی، خليل بن احمد، كتاب العين، ج ۳، قم: نشر هجرت، ج ۲، ۱۴۱۰ق.
۵۳. فلک، دپتر، مترجم: سيدقاسم زمانی و نادر ساعد، حقوق بشر و دستاورد در مخاصمات مسلحانه، تهران: انتشارات شهر دانش، ج ۳، ۱۳۹۲.
۵۴. فيومي، احمد بن محمد مقرئ، مصباح المثير، ج ۲، قم: منشورات دار الرضى، بی تا.
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۹ و ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۵۶. کیتی، شیایزری، کریانگ، ساک، حقوق بین‌المللی کیفری، بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۵۷. مجلسی، محمدباقر، الوجدية فی الرجال، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۰ق.
۵۸. مجلسی، محمدباقر، ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاحکام، ج ۶، قم: انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی، ۱۴۰۶ق.
۵۹. محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، تهران: پاسدار اسلام، الطبعة الثامنة، ۱۳۸۸.
۶۰. محقق حلی، مختصر النافع فی فقه الامامية، ج ۱، قم: مؤسسة المطبوعات الدينية، ج ۶، ۱۴۱۸ق.
۶۱. مسئوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۶۲. ممتاز، جمشید و رنجبریان، حسین، حقوق بین‌الملل بشردوستانه (مخاصمات مسلحانه داخلی)، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۸.
۶۳. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیر حسین، حقوق مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران: انتشارات نشر میزان، ۱۳۸۷.
۶۴. مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.
۶۵. موسوی، سیدفضل‌الله، حقوق بشردوستانه در اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۴.
۶۶. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۶۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱، بیروت: دارالترتیب العربی، الطبعة السابعة، ۱۴۰۴ق.
۶۸. واقدی، محمد بن عمر بن واقد السهمی الاسلامی بالولاء، المغازی، ج ۲، بیروت: الأعلمی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۹ق.
69. The Legality of The Threat or Use of Nuclear Weapons (Advisory opinions) **inter national justice court**, 1996.
70. Wehmeier Sally. **Oxford advanced learnings dictionaty**. P seven. Landen. Oxford university press. 2007.